

وقوع جنگ صفین

وقوع جنگ صفین در سال 37 هجری قمری



وقوع جنگ صفین در سال 37 هجری قمری

امام علی بن ابی طالب (ع) پس از نایل شدن به خلافت اسلامی، برای سامان بخشی به نارسایی های حکومت و برگرداندن سیره و سنت پیامبر (ص) اقدامات ارزنده ای به انجام رسانید. مهمترین اقدامات تاثیرگذار آن حضرت عبارت بود از عزل حاکمان و عاملان نالایق و ستمگر و جانشینی فرمانداران شایسته و خداجوی، که خدمت به مردم را سرلوحه کار خویش قرار داده و از ظلم و تعدی به مردم پرهیز داشته باشند.

در این راستا، تصمیم به عزل معاویه بن ابی سفیان از حکومت شام و نصب حاکمی دیگر در جایگاه وی گرفت. ولی معاویه به این تصمیم حضرت (ع) ترتیب اثری نداد و شیوه سرکشی و یاغی گری در پیش گرفت. امام علی (ع) برای وی نامه هایی ارسال نمود و او را به فرمان بری از خلیفه منتخب مردم فراخواند، ولی معاویه با پاسخ های زننده و تهدیدآمیز زمینه جنگ و جدال را فراهم ساخت و برای هجوم به سرزمین عراق به بهانه واهی خون خواهی عثمان مقتول آماده گردید.

حضرت علی (ع) برای مشارکت عمومی مردم در امر حکومت و حل تنگناهای پدید آمده، نامه هایی به فرمانداران خود در شهرهای مختلف و سران قبایل و بزرگان عرب ارسال نمود و همگان را ترغیب به شرکت در این امر عظیم کرد.

معاویه بن ابی سفیان نیز در شام سپاه بزرگی را به حرکت درآورد و آنان را به سوی عراق گسیل داشت. پیش‌تاز سپاه امام علی (ع)، مالک اشتر نخعی بود که با چهارهزار مرد جنگی به سوی شام اعزام شد. و پیش‌تاز سپاه معاویه، سفیان بن عمرو، معروف به ابوالأعور سلمی بود که پیش از ورود مالک اشتر، وارد سرزمین صفین شد و راه‌های هموار برداشت آب از رود فرات را به تصرف خویش درآورد و از برداشت آب، از سوی سپاهیان مالک اشتر، جلوگیری به عمل آورد. مالک اشتر و سپاهیان او، با این که بسیار خسته و تشنه بودند، بنابر سفارش امیرمؤمنان (ع)، بردباری پیشه کرده و از اقدام به نبرد خودداری نمودند.

ولی ابوالأعور و سپاهیان شام، بردباری مالک اشتر را حمل بر ترس و رعب آنان نموده و بر آنان حمله‌ور شدند. مالک اشتر که حجت را تمام شده یافته بود، دستور مبارزه و دفاع را صادر کرد و برای نخستین بار، دو سپاه در برابر یک دیگر قرار گرفتند. ولی دلیری مالک اشتر و هدفدار بودن مبارزات سپاهیان او، صحنه را بر ابوالأعور و شامیان تنگ کرد و در نتیجه، نه تنها تهاجم بی‌حاصل آنان را دفع کرد، بلکه آنان را از اطراف رود فرات نیز به عقب راندند و خود بر آب فرات تسلط کامل یافتند. در این نبرد تعداد زیادی از شامیان کشته و زخمی شدند و بازماندگان شکست خورده، از آب فرات محروم شدند.

یکی از قهرمانان شامی به نام عبدالله بن منذر تنوخی به دست یک نوجوان رزمنده از سپاه مالک اشتر به نام ظبیان بن عماره تمیمی کشته شد و رسوایی بزرگی برای شامیان به بارآورد.

سپاهیان شامی برای جبران شکست فضاحت بار خویش، بارها اقدام به حمله و تهاجم نمودند ولی با هوشیاری و مدیریت رزمی مالک اشتر و دیگر فرماندهان حضرت علی (ع)، کاری از پیش نبرده و برعکس، متحمل شکست دیگر شدند.

پس از ورود طلایه‌داران دو سپاه به صفین، حضرت علی (ع) نیز در رأس سپاهی به استعداد یکصد هزار نفر، در 22 محرم سال 37 قمری وارد صفین شد و به مالک اشتر پیوست. هم چنین در همین ماه، معاویه بن ابی سفیان وارد صفین شد و به سپاه شکست خورده ابوالأعور سلمی ملحق گردید و عملاً دو سپاه بزرگ در کنار یک دیگر قرار گرفتند.

حضرت علی (ع) پس از تصرف رود فرات از سوی سپاهیان رزمنده‌اش، دستور داد که برداشت آب، برای دو سپاه آزاد باشد و کسی حق منع از دیگران را نداشته باشد.

دو سپاه در ماه محرم، به حرمت این ماه از جنگ و نبرد خودداری کرده و چشم امید به صلح و سازش دوختند. امیرمؤمنان (ع) با ارسال نمایندگانی چند به نزد معاویه، تلاش زیادی به عمل آورد که رویارویی دو سپاه، بدون خون‌ریزی به پایان رسد. ولی معاویه بن ابی سفیان که از تعداد لشکریان خود مغرور بود، به تمام درخواست‌های حضرت علی (ع) پاسخ منفی داد و بر مجازات قاتلان عثمان مقتول، پافشاری نمود و زمینه نبرد خونین را فراهم کرد.

سرانجام پس از پایان ماه محرم و حلول ماه صفر، سپاهیان عراق و سپاهیان شام در دسته‌های چند منظم شده و به صف آرایی پرداختند.

از آن روز نبرد بی‌امان آغاز گردید و هر روز دسته‌هایی از طرفین به مبارزه برخاسته و یک دیگر را آماج تیر و تیغ قرار می‌دادند. مالک اشتر نخعی که از مشاوران و یاران نزدیک حضرت علی (ع) بود، در بسیاری از این عملیات‌ها شرکت می‌کرد و با فتح و ظفر برمی‌گشت.

در اکثر درگیری‌ها، پیروزی با سپاهیان امام علی (ع) بود. افرادی چون مالک اشتر نخعی، عمار بن یاسر، امام حسن مجتبی (ع)، امام حسین (ع)، محمد حنفیه، عبدالله بن عباس، هاشم بن عتب و بسیاری دیگر از سپاهیان امام علی (ع) در این درگیری‌ها، دلاوری‌های فراموش نشدنی از خود بر جای گذاشتند و سپاهیان دشمن را به شکست و عقب نشینی وادار کردند.

خود امام علی (ع) نیز در بسیاری از عملیات‌های فردی و گروهی شرکت نمود و دلاوری‌های آن حضرت، مایه دلگرمی سایر سپاهیان اسلام می‌گردید. در این نبرد تعدادی از یاران نزدیک حضرت علی (ع) مانند: عمار بن یاسر، هاشم بن عتب (معروف به هاشم مرقال)،

اویس بن قرنی، صفوان و سعد از پسران حذیفة الیمان، عبدالله بن حارث (برادر مالک اشتر)، خزیمة بن ثابت (معروف به ذوالشهادتین)، و عبدالله بن کعب به شهادت رسیدند.

هم چنین از سرداران معاویه، افرادی چون: ذوالکلاع حمیری، عبیدالله بن عمر بن خطاب، کریب بن صباح، عبدالله بن ذی الکلاع، حوشب ذا ظلمیم، عوف بن مجزئه کوفی، عروة بن داود مشقی کشته شدند.

مهم‌ترین عملیات این جنگ بزرگ، واقعه " لیلۃ الہریر " بود. در این واقعه که سپاهیان امام علی(ع) پس از نماز عشا، اقدام به حمله سراسری نمودند، ضربه مهلکی بر سپاهیان شام وارد آمد. این عملیات تا شب بعد ادامه یافت و از طرفین تعداد زیادی کشته و زخمی گردیدند. بنا به روایت نصر بن مزاحم، در حدود هفتاد هزار تن از طرفین کشته شدند که بیشتر آنان از لشکریان معاویه بودند.

اما معاویه، با اشاره و دسیسه عمرو بن عاص، پانصد جلد قرآن مجید را بالای نیزه کرد و در میان دو سپاه به اهتزاز در آورد و همگان را به حکمیت قرآن فراخواند. امام علی(ع) و یاران نزدیک او، چون مالک اشتر، عبدالله بن عباس، عدی بن حاتم و بسیاری از فرماندهان جنگی، دست معاویه را خوانده و اقدام وی را چیزی جز یک نیرنگ جنگی نمی‌دیدند. به همین جهت، دستور ادامه عملیات را صادر نمودند. ولی برخی از فرماندهان و سپاهیان امام علی(ع)، مانند اشعث بن قیس، میسر بن فدکی و زید بن حصین، فریب نیرنگ‌های معاویه و عمرو بن عاص را خورده و بر پایان یافتن عملیات، اصرار نمودند.